

به نام خدا

فرهنگی پژوهشگر؛ تبدیل مسائل مدرسه به پروژه‌های پژوهشی کاربردی

مولفان :

سیده معصومه میرمیران

محمد محمدی ده چشمه

مریم جلیلووند

غلامرضا جعفری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه: میرمیران، سیده معصومه، ۱۳۵۲
عنوان و نام پدیدآورگان: فرهنگی پژوهشگر؛ تبدیل مسائل مدرسه به پروژه‌های پژوهشی
کاربردی/ مولفان: سیده معصومه میرمیران، محمد محمدی ده چشمه، مریم جلیلود، غلامرضا
جعفری
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۱۰۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۵۰۱-۲
شناسه افزوده: محمدی ده چشمه، محمد، ۱۳۶۸
شناسه افزوده: جلیلود، مریم، ۱۳۵۴
شناسه افزوده: جعفری، غلامرضا، ۱۳۶۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: فرهنگی پژوهشگر- مسائل مدرسه- پروژه‌های پژوهشی کاربردی
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۶۹۲۱۴۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: فرهنگی پژوهشگر؛ تبدیل مسائل مدرسه به پروژه‌های پژوهشی کاربردی
مولفان: سیده معصومه میرمیران- محمد محمدی ده چشمه -مریم جلیلود -غلامرضا جعفری
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۵۰۱-۲
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



تقدیم

به تمامیِ معلمانی که در دلِ شلوغیِ کلاس، هنوز،
صدایِ پرسش را می‌شنوند،
به تمامیِ معلمانی که در میانِ انبوهِ نمرات و برنامه‌ها،
به دنبالِ معنایِ پنهانِ رفتارِ کودکی‌اند،

به تمامیِ معلمانی که از پاسخ‌هایِ قالبی، خسته شده‌اند
و به جایِ نسخه‌هایِ تکراری،
به سراغِ کاوش، مشاهده و تأملِ رفته‌اند،

و به تمامیِ دانشجویانی که هنوز،
به قدرتِ تغییر، از درونِ مدرسه، ایمان دارند،

این کتاب، تقدیم می‌شود.

و نیز، به یادِ آن معلمی که نخستین بار،
پرسش را جایگزینِ سرزنش کرد،
و مدرسه را از یک کلاسِ درس،
به بستری برای زیستن، اندیشیدن و دگرگونی،
تبدیل نمود.

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۱
فصل اول: از دل مشغولی تا پرسش؛ واکاوی مسئله در بستر مدرسه.....	۱۳
مدرسه به مثابه میدان مسئله‌زا؛ چرایی کثرت چالش‌های تربیتی.....	۱۳
تفکیک مسئله‌ی پژوهشی از مشکل روزمره؛ گذار از احساس به صورت‌بندی.....	۱۳
گونه‌شناسی مسائل مدرسه (آموزشی، رفتاری، مدیریتی، عاطفی، فرهنگی).....	۱۶
نقش مشاهده‌ی نظام‌مند در تشخیص مسئله‌های پنهان کلاسی.....	۲۰
مصاحبه و گفت‌وگوی پژوهشی با همکاران، دانش‌آموزان و اولیا.....	۲۰
بهره‌گیری از اسناد و آرشیوهای مدرسه (نمرات، گزارش‌ها، پرونده‌ها).....	۲۳
اولویت‌بندی مسائل بر اساس شدت، شیوع و قابلیت پژوهش‌پذیری.....	۲۶
تبدیل مسئله به پرسش پژوهشی؛ فنون پرسش‌سازی هدفمند.....	۲۶
مستندسازی اولیه؛ نگارش گزارش وضعیت موجود به عنوان نقطه‌ی آغاز.....	۳۰
واژگان تخصصی فصل اول.....	۳۱
فصل دوم: چارچوب‌سازی و روش‌شناسی؛ طراحی پروژه‌ی پژوهشی مدرسه‌محور.....	۳۵
پیش‌نیازهای طراحی پژوهش در فضای مدرسه (زمان، دسترسی، اخلاق).....	۳۵
مبانی نظری مرتبط با مسئله؛ چگونه از ادبیات پژوهشی بهره بگیریم؟.....	۳۵
تدوین چارچوب مفهومی؛ نقشه‌ی ذهنی روابط میان متغیرها.....	۳۶
انتخاب روش‌شناسی متناسب (کمی، کیفی، آمیخته و اقدام‌پژوهی).....	۳۷
اقدام‌پژوهی به مثابه روش ممتاز برای فرهنگیان پژوهشگر.....	۴۰

۴۴.....	جامعه آماری و نمونه گیری در بستر کلاس و مدرسه
۴۴.....	ابزارهای گردآوری داده‌ها؛ پرسش‌نامه، سیاهه‌ی مشاهده، راهنمای مصاحبه
۴۹.....	اعتبار و پایایی در پژوهش‌های مدرسه‌ای؛ چالش‌ها و راهکارها
۵۱.....	ملاحظات اخلاقی در پژوهش با دانش‌آموزان (رضایت، محرمانگی، بی‌زیانی)
۵۲.....	تدوین پیش‌نویس پروژه؛ از عنوان تا زمان‌بندی اجرا
۵۲.....	بودجه‌بندی منابع انسانی، مادی و زمانی در مقیاس مدرسه
۵۳.....	دریافت بازخورد از همکاران و اصلاح طرح پژوهشی
۵۴.....	واژگان تخصصی فصل دوم
۵۷.....	فصل سوم: در میدان عمل؛ اجرا، پایش و گردآوری داده‌ها در مدرسه
۵۷.....	ورود به میدان؛ مدیریت تعاملات انسانی در حین پژوهش
۵۷.....	اجرای ابزارهای کمی؛ توزیع، جمع‌آوری و کنترل پرسش‌نامه‌ها
۶۰.....	اجرای ابزارهای کیفی؛ هنر گوش‌спاری در مصاحبه‌های عمیق
۶۳.....	مشاهده‌ی مشارکتی و ثبت رویدادها در موقعیت‌های طبیعی کلاس
۶۶.....	گردآوری داده‌های ثانویه (کارنامه‌ها، نمونه کارهای دانش‌آموزان، صورتجلسات)
۶۷.....	پایش مستمر فرایند؛ چک‌لیست پیشرفت روزانه
۶۹.....	مواجهه با موانع پیش‌بینی نشده (غیبت، همکاری نداشتن، تغییر برنامه)
۶۹.....	ثبت یادداشت‌های میدانی؛ روایت پژوهشگر از آنچه رخ می‌دهد
۷۳.....	بازبینی موقت داده‌ها برای تشخیص کاستی‌ها و تعدیل ابزارها
۷۶.....	آماده‌سازی داده‌ها برای مرحله‌ی تحلیل (پاک‌سازی، کدگذاری، طبقه‌بندی)
۷۷.....	واژگان تخصصی فصل سوم

فصل چهارم: از داده تا دگرگونی؛ تحلیل، کاربرست و نشر یافته‌های پژوهشی ۸۱

تحلیل داده‌های کمی با روش‌های ساده و قابل فهم (جدول، نمودار، شاخص‌ها) ۸۱

تحلیل داده‌های کیفی؛ کدگذاری، مقوله‌بندی و استخراج درون‌مایه‌ها ۸۳

ترکیب یافته‌های کمی و کیفی در رویکرد آمیخته ۸۵

تفسیر یافته‌ها در بستر مدرسه؛ پرهیز از تعمیم نابجا ۸۶

تبدیل نتایج به راهکارهای عملیاتی؛ برنامه‌های مداخله‌ای مدرسه‌بنیان ۸۹

نگارش گزارش پژوهشی کارآمد (مقدمه، روش‌شناسی، یافته‌ها، پیشنهادها) ۹۲

ارائه یافته‌ها به همکاران، مدیران و اولیا؛ هنر انتقال دانش ۹۵

نهادینه‌سازی فرهنگ پژوهش در مدرسه؛ از یک پروژه تا جریان مستمر ۹۵

واژگان تخصصی فصل چهارم ۹۸

منابع ۱۰۳

پیوست ۱۰۵

نمونه‌ی گزارش پژوهشی کارآمد در قالب جدول ۱۰۵

پیشگفتار

مدرسه، به مثابه یک زیست‌بوم پویا و چندلایه، همواره مملو از پدیده‌ها، چالش‌ها و موقعیت‌های منحصر به فردی است که در پس‌پرده روزمرگی آموزشی، اغلب نادیده گرفته می‌شوند. این پیچیدگی‌ها، که از تعامل میان کنشگرانی با فرهنگ‌ها، توانمندی‌ها و انتظاراتی متفاوت زاده می‌شوند، نه تنها فرصتی برای تأمل و بازاندیشی‌اند، بلکه بستری غنی برای خلق دانش بومی و موقعیت‌مند فراهم می‌آورند. با این حال، در نظام آموزشی رایج، غالباً میان «مسئله» در کلاس یا حیاط مدرسه و «پژوهش» به‌عنوان کنشی نظام‌مند و روش‌مند، شکافی عمیق وجود دارد؛ گویی این دو عرصه در دو ساحت کاملاً جدا از یکدیگر جریان دارند.

کتاب پیش‌رو، با عنوان «فرهنگی پژوهشگر؛ تبدیل مسائل مدرسه به پروژه‌های پژوهشی کاربردی»، کوشیده است تا پلی باشد بر این شکاف و نگاهی نو به نقش معلم و دانشجو معلم ارائه دهد. این اثر، بر این باور بنیادین استوار است که هر یک از فعالان عرصه تعلیم و تربیت، به شرط برخورداری از «نگاه پژوهشی» و «سواد روش‌شناختی» مناسب، می‌توانند دل مشغولی‌های روزمره خود را به پرسش‌هایی پژوهشی تبدیل کنند و آن پرسش‌ها را در قالب طرح‌هایی عملیاتی و راهگشا، به سرانجام برسانند. بدین ترتیب، پژوهش از یک امر حاشیه‌ای و یا صرفاً دانشگاهی، به هسته اصلی فرایند یاددهی-یادگیری و مدیریت مدرسه راه می‌یابد.

مخاطب این کتاب، افزون بر فرهنگیان شاغل در مدارس، دانشجویان گرامی رشته‌های علوم تربیتی و آموزش معلمان هستند که در آستانه ورود به حرفه خطیر معلمی، نیازمند درونی‌سازی رویکردی کاوشگرانه و مسئله‌محور در مواجهه با واقعیت‌های کلاس و مدرسه‌اند. ما در این مسیر، از واریسی مفاهیم پایه‌ای همچون «مسئله پژوهشی» و «کاربست‌پذیری نتایج» آغاز خواهیم کرد و سپس با عبور از مراحل گوناگون تشخیص، صورت‌بندی، طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه‌های پژوهشی مدرسه‌محور، خواننده را تا آستانه نگارش و انتشار یافته‌های خود همراهی خواهیم نمود.

آنچه این کتاب را از آثاری هم‌سو متمایز می‌سازد، تأکید ویژه‌ی آن بر «کاربردی‌سازی پژوهش» و تناسب‌دهی روش‌های علمی با بستر فرهنگی، ساختاری و انسانی مدارس ایران است. در این جا، نه از پژوهش‌های انتزاعی و دور از دسترس سخن می‌گوییم و نه به دنبال نسخه‌های یک‌اندازه برای همگان هستیم، بلکه در هر فصل، با ارائه نمونه‌ها، الگوها و چارچوب‌های عملیاتی، بستر را برای آن فراهم می‌سازیم که خواننده بتواند در بافت خاص خود، به یک «فرهنگی پژوهشگر» بدل شود؛ کسی که نه تنها به بازتولید دانش نمی‌پردازد، بلکه خود، خالق دانش کاربردی و بومی در عرصه تعلیم و تربیت است.

پس از مطالعه این کتاب، از شما دعوت می‌کنیم که با نگاهی تازه به گوشه‌وکنار مدرسه‌تان بنگرید؛ در هر رفتار، واکنش، سکوت یا پرسشی، نه یک معضل روزمره، بلکه فرصتی پژوهشی ببینید. باشد

که این مسیر، سرآغازی برای نهادینه‌سازیِ فرهنگِ پژوهش در مدارس و توانمندسازیِ نیروی انسانیِ نظام آموزشیِ این سرزمین باشد.

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت هر جامعه‌ای، آیین‌های تمام‌نمایِ باورها، آرمان‌ها و سرمایه‌های فرهنگی آن سرزمین به شمار می‌رود. در این میان، مدرسه به عنوان کهن‌ترین، فراگیرترین و اثرگذارترین نهاد جامعه‌پذیری رسمی، نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی نسل‌های آینده دارد. اما پرسش بنیادین این است که آیا این نهاد حیاتی، خود، به مثابه یک سازمان یادگیرنده، از توانایی بازاندیشی مستمر و به‌روزرسانی روش‌های خویش برخوردار است؟ آیا کنشگران آن - معلمان، مدیران، مشاوران و حتی دانش‌آموزان - از بستر روزمره‌ی تعاملات آموزشی، به عنوان منبعی تمام‌نشدنی برای خلق دانش و حل مسئله بهره می‌برند؟ پاسخ به این پرسش‌ها، ما را به مفهوم بنیادین «پژوهش مدرسه‌محور» رهنمون می‌سازد؛ رویکردی که در آن، خود مدرسه به آزمایشگاهی زنده و پویا برای کاوش، آزمون و اصلاح فرایندهای تربیتی بدل می‌شود.

با این حال، تأملی اندک در وضعیت کنونی نظام‌های آموزشی، به ویژه در حوزه‌ی پژوهش، نشان می‌دهد که غالباً میان «گفتمان علمی دانشگاهی» و «واقعیت عینی کلاس‌درس» فاصله‌ای عمیق و ناگوار وجود دارد. حجم قابل‌توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌ی علوم تربیتی، یا در مراکز دانشگاهی و فارغ از بستر اجرایی مدارس طراحی می‌شوند و یا به دلیل پیچیدگی زبانی، فقدان کاربرست‌پذیری و بی‌توجهی به بافت فرهنگی و ساختاری مدارس، در کتابخانه‌ها و آرشیوها به خاک می‌خورند و هیچ‌گاه به گره‌گشایی از معضلات عینی معلمان و مدیران یاری نمی‌رسانند. از سوی دیگر، معلمان گرانقدری که هر روزه با انبوهی از چالش‌های تربیتی، آموزشی، رفتاری و عاطفی روبه‌رو هستند، اغلب خود را فاقد ابزارها، مهارت‌ها یا فرصت لازم برای صورت‌بندی نظام‌مند این چالش‌ها و تبدیل آن‌ها به پرسش‌هایی پژوهشی می‌یابند. این شکاف دوگانه، یعنی از یک سو ناکارآمدی پژوهش‌های برون‌سازمانی و از سوی دیگر ناتوانی درونی کنشگران مدرسه در بهره‌گیری از ظرفیت پژوهش، بهره‌وری نظام آموزشی را به شدت کاهش داده و نوآوری و پویایی را از کف میدان تعلیم و تربیت ربوده است.

کتاب پیش‌رو، با درک عمیق این معضل ساختاری و با الهام از رویکردهای نوین «پژوهش کنش‌گرا» یا «پژوهش در عمل»، و نیز «روش‌های کیفی و مشارکتی»، گامی بنیادین در جهت کوتاه‌کردن این فاصله و توانمندسازی نیروی انسانی مدرسه برمی‌دارد. اندیشه‌ی محوری این اثر، که در عنوان آن نیز بازتاب یافته («فرهنگی پژوهشگر»)، بر این باور استوار است که نخستین و مهم‌ترین سرمایه‌ی هر نظام آموزشی برای بهبود مستمر، خود فرهنگیان و دانش‌جومعلمان هستند؛ مشروط بر آن که به «نگاه پژوهشی» مجهز شوند و «سواد روش‌شناختی» کاربردی را بیاموزند. این کتاب، در واقع نقشه‌راهی است برای آن دسته از معلمان، مدیران، مشاوران و دانشجویانی که دیگر نمی‌خواهند تماشاگر منفعل مسائل مدرسه باشند، بلکه می‌خواهند با تکیه بر عقلانیت علمی و روش‌مندی پژوهشی، خود به کنشگری مؤثر و حل‌کننده‌ی معضلات تبدیل شوند.

ساختار و محتوای این کتاب، بر پایه‌ی یک زنجیره‌ی منطقی و گام‌به‌گام طراحی شده است تا خواننده را از مرحله‌ی تشخیص «مسئله» به عنوان نقطه‌ی آغاز هر پژوهش، تا مرحله‌ی «ارائه‌ی راهکار» و

«انتشار یافته‌ها» همراهی کند. بدین منظور، در ابتدا به واکاوی چستی «مسئله‌ی پژوهشی» در بسترِ مدرسه و تفکیکِ آن از «مشکلِ روزمره» خواهیم پرداخت. سپس، ابزارها و فنونِ مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه و بررسی اسناد را در موقعیت‌های واقعی کلاسی و مدرسه‌ای معرفی کرده و شیوه‌ی تدوینِ پرسش‌های پژوهشی و فرضیه‌سازیِ متناسب با بافت را آموزش خواهیم داد. فصل‌های میانی کتاب، به طراحیِ پروژه‌های پژوهشیِ کاربردی، انتخابِ روش‌شناسیِ مناسب (با تأکید بر روش‌های آمیخته، کیفی و اقدام‌پژوهی)، و مدیریتِ اجرایِ پژوهش در فضایِ پرمخاطره و چندمتغیرِ مدرسه اختصاص دارد. در ادامه، خواننده با اصولِ تحلیلِ داده‌ها، تفسیرِ یافته‌ها و مهم‌تر از همه، شیوه‌ی تبدیلِ نتایجِ پژوهشی به برنامه‌ها و مداخلاتِ عملیِ قابلِ اجرا در کلاس و مدرسه آشنا خواهد شد. در نهایت، بر ضرورتِ نگارشِ گزارشِ پژوهشی به زبانی گویا و اشتراکِ دانشِ تولیدشده با همکاران و جامعه‌ی آموزشی تأکید کرده و راهکارهایی برای نهادینه‌سازیِ فرهنگِ پژوهش در مدرسه ارائه می‌دهیم.

آنچه این کتاب را از متون صرفاً نظری یا مجموعه‌های دستورالعمل‌وار متمایز می‌سازد، تأکیدِ پیوسته‌ی آن بر اصلِ «بومی‌سازی» و «موقعیت‌مندی» است. ما در این جا به دنبال ارائه‌ی نسخه‌های کلی و جهان‌شمول نیستیم، بلکه می‌کوشیم با ذکرِ مثال‌های عینی از مدارس ایران، توجه به ظرافت‌های فرهنگی، زبانی، قومی و مذهبیِ دانش‌آموزان و نیز در نظر گرفتنِ محدودیت‌های ساختاری، زمانی و مالیِ مدارس، رویکردی انعطاف‌پذیر و متناسب با واقعیت‌های زیسته‌ی مخاطبان ارائه دهیم. باور ما بر این است که یک معلمِ پژوهشگر، نه کسی است که صرفاً تکنیک‌های آماریِ پیچیده را بداند، بلکه کسی است که بتواند از میانِ انبوهِ داده‌های کیفی و کمی، الگوها را تشخیص دهد، به روایت‌های پنهانِ پشتِ هر رفتارِ دانش‌آموزی گوش سپارد و با خلاقیتِ علمی، راهکارهایی طراحی کند که هم مبتنی بر شواهد باشند و هم با هویتِ فرهنگیِ مدرسه‌اش عجین شوند.

بی‌گمان، تبدیلِ یک معلم به «فرهنگی پژوهشگر» سفری پرچالش و نیازمندِ پشتکار، زمان و حمایتِ سازمانی است. اما این سفر، نه یک انتخابِ لوکس، که یک ضرورتِ انکارناپذیر برای بقا و تعالیِ نظامِ آموزشی ما در عصرِ تحولاتِ شتابانِ دانش و فناوری است. مدرسه‌ای که نتواند از تجاربِ خود بیاموزد و مسیرهای نرفته را با جرئتِ علمیِ بپیماید، محکوم به تکرارِ روزمرگی‌هایی است که نه تنها به کاراییِ دانش‌آموزان نمی‌افزاید، بلکه شورِ یادگیری و خلاقیت را نیز از آنان می‌ستاند. برعکس، مدرسه‌ای که در آن، هر مسئله‌ای به پرسش و هر پرسشی به پروژه‌ای پژوهشی بدل می‌شود، به تدریج به زیست‌بومیِ پویا، نقاد و آفریننده مبدل خواهد گشت. این کتاب، تقدیم به همه‌ی آن معلمان است که هنوز به قدرتِ پرسش، به زیباییِ کاوش و به امیدِ تغییر، دل بسته‌اند؛ معلمان که می‌دانند بهترینِ پژوهش، آن است که سرانجامِ آن، تبسمی باشد بر لبِ دانش‌آموزی که در کلاس، فهمیده شده است. امید است که خواندنِ این اثر، برای شما سرآغازی باشد بر یک دگردیسیِ حرفه‌ای عمیق و پربار.

فصل اول

از دل مشغولی تا پرسش؛ واکاوی مسئله در بستر مدرسه

مدرسه به مثابه میدان مسئله‌زا؛ چرایی کثرت چالش‌های تربیتی

مدرسه، به عنوان پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد جامعه‌پذیری رسمی، ذاتاً عرصه‌ای پرتنش و سرشار از موقعیت‌های مسئله‌زا است. این مسئله‌زایی، نه از ناکارآمدی ذاتی نظام آموزشی، که از تلاقی نیروها، نیازها و فرهنگ‌های گوناگون در فضایی محدود و با منابعی متناهی نشئت می‌گیرد. در هر کلاس درس، دست‌کم سه ساحت تعاملی متمایز - معلم با دانش‌آموز، دانش‌آموز با دانش‌آموز، و دانش‌آموز با محتوای آموزشی - به طور هم‌زمان در جریان است و هر یک، بستری برای بروز چالش‌های گوناگون فراهم می‌آورد.

سعیدی (۱۴۰۴) در تبیین الگوی «فرا مدرسه»، به این نکته اشاره دارد که مدارس سنتی، به دلیل ساختار خطی و یک‌سویه‌ی خود، نه تنها نمی‌توانند پاسخگوی تنوع نیازهای شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان باشند، بلکه خود به منبعی برای تولید تنش و مسئله بدل می‌شوند. او معتقد است که تا زمانی که مدرسه به مثابه موجودی زنده، پویا و مسئله‌پذیر دیده نشود، نمی‌توان از کثرت چالش‌های آن گریخت (سعیدی، ۱۴۰۴، ص ۴۱-۳۷).

از سوی دیگر، کرباسی و همکاران (۱۴۰۴) با تأکید بر بستر روان‌شناختی نوجوانی، خاطرنشان می‌سازند که بسیاری از چالش‌های رفتاری و عاطفی در مدرسه، ریشه در تحولات هویتی، بلوغ عاطفی و نیاز به پذیرش اجتماعی در این دوره‌ی سنی دارد. به باور ایشان، معلمی که این بستر تحولی را نشناسد، هر رفتار متناقض دانش‌آموز را یک «مسئله» می‌بیند، حال آن که بسیاری از این رفتارها، بخشی طبیعی از فرایند رشد به شمار می‌روند (کرباسی و دیگران، ۱۴۰۴، ص ۱۱۸-۱۱۲). بنابراین، نخستین گام در مسیر «فرهنگی پژوهشگر»، پذیرش کثرت چالش‌ها و درک این حقیقت است که مدرسه، به حکم ذات چندلایه و انسانی خود، همواره میدانی برای برخورد آرمان‌ها با واقعیت‌ها خواهد بود.

تفکیک مسئله‌ی پژوهشی از مشکل روزمره؛ گذار از احساس به صورت‌بندی

یکی از بنیادین‌ترین و در عین حال دشوارترین گام‌هایی که هر فرهنگی پژوهشگر باید در مسیر تحول حرفه‌ای خود بردارد، توانایی تفکیک دقیق «مسئله‌ی پژوهشی» از «مشکل روزمره» است. این تفکیک، نه یک ظرافت نظری صرف، بلکه مهارتی عملی و سرنوشت‌ساز است که تعیین می‌کند آیا یک دغدغه‌ی ذهنی، به پروژه‌ای پژوهشی ثمربخش تبدیل خواهد شد یا در گرداب روزمرگی، به

همان سطح احساسی اولیه باقی خواهد ماند. بسیاری از معلمان، به دلیل غوطه‌وری در جریان پُرشتاب فعالیت‌های روزانه، هر گونه ناهماهنگی، تنش یا نارضایتی را به عنوان «مسئله» تلقی می‌کنند و تصور می‌کنند که همین نارضایتی سطحی، برای آغاز یک پژوهش کافی است. اما واقعیت آن است که میان «احساس ناخوشایند از یک موقعیت» و «تشخیص یک مسئله پژوهشی»، فاصله‌ای عمیق و روش‌شناختی وجود دارد که نادیده‌گرفتن آن، پژوهشگر را به سرگردانی و اتلاف انرژی رهنمون می‌سازد.

مشکل روزمره، در ساده‌ترین تعریف، به آن دسته از ناهماهنگی‌ها، نارضایتی‌ها و تنش‌های فوری و سطحی اطلاق می‌شود که هر معلمی در جریان کار روزانه‌ی خود با آن مواجه می‌شود. این مشکلات، بخشی جدایی‌ناپذیر از بافت پویا و پرتلاطم مدرسه هستند و هیچ‌گاه نمی‌توان انتظار داشت که فضای کلاس یا حیاط مدرسه، عاری از این دست ناهماهنگی‌ها باشد. صدای بلند کلاس همسایه که تمرکز را برهم می‌زند، غیبت مکرر یک دانش‌آموز که ذهن معلم را مشغول می‌کند، بی‌نظمی در حیاط مدرسه که نظم عمومی را خدشه‌دار می‌سازد، یا پاسخ‌های نادرست یک دانش‌آموز در امتحان، همگی مصادیقی بارز از مشکلات روزمره هستند. این دست مسائل، هر چند از نظر عملیاتی، مهم و نیازمند رسیدگی سریع و مؤثرند، اما به خودی خود، واجد شرایط لازم برای تبدیل شدن به یک پروژه‌ی پژوهشی نظام‌مند نیستند. ویژگی بارز این مشکلات، «واکنش برانگیزی» و «فوریت عملیاتی» آن‌هاست؛ یعنی معلم، در مواجهه با هر یک، نیازمند پاسخ سریع و راهکار عملی بی‌درنگ است و نه کاوشی تأمل‌برانگیز و زمان‌بر.

در مقابل، مسئله‌ی پژوهشی، ماهیتی کاملاً متفاوت دارد و با سه ویژگی اساسی از مشکل روزمره متمایز می‌شود. نخستین و بنیادین‌ترین این ویژگی‌ها، «ابهام شناختی قابل تأمل» است. مسئله‌ی پژوهشی، موقعیتی است که نه تنها پاسخ آن ناشناخته است، بلکه خود پرسش، به دلیل پیچیدگی ذاتی، نیازمند تحلیل و مفهوم‌سازی عمیق‌تری است. به عبارت دیگر، در مسئله‌ی پژوهشی، نه تنها «راه حل» مبهم است، بلکه گاهی «خود مسئله» نیز نیازمند صورت‌بندی مجدد است. برای نمونه، غیبت مکرر یک دانش‌آموز، در نگاه نخست، یک مشکل روزمره است که شاید با تماس با والدین یا جلسه‌ی توجیهی، حل شود. اما اگر این غیبت، بخشی از الگویی گسترده‌تر از دلبستگی‌ناایمن دانش‌آموز به مدرسه باشد، یا ریشه در تنش‌های خانوادگی یا اختلالات عاطفی داشته باشد، آنگاه از دل این مشکل روزمره، «مسئله‌ای پژوهشی» متولد می‌شود که نیازمند کاوش عمیق در بسترهای روانی، اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده‌ی آن است.

دومین ویژگی مسئله‌ی پژوهشی، «قابلیت صورت‌بندی آن در قالب پرسش یا فرضیه» است. یک مشکل روزمره، معمولاً در قالب گزاره‌های احساسی یا توصیفی سطحی بیان می‌شود: «دانش‌آموزان کلاس من بی‌نظم هستند» یا «نمرات ریاضی دانش‌آموزان پایین است». اما یک مسئله‌ی پژوهشی، باید بتواند به پرسش‌هایی روشن، دقیق و پاسخ‌یافتنی تبدیل شود که مسیر پژوهش را هدایت کنند.

برای نمونه، به جای گزاره‌ی «دانش‌آموزانِ کلاس من بی‌نظم هستند»، می‌توان پرسید: «عوامل مؤثر بر بی‌نظمی دانش‌آموزانِ کلاسِ چهارم در زنگِ ورزش کدام‌اند و چگونه می‌توان با طراحی یک برنامه‌ی مداخله‌ای مشارکتی، این بی‌نظمی را کاهش داد؟» تفاوتِ میانِ این دو، تفاوتِ میانِ یک شکایتِ روزمره و یک پروژه‌ی پژوهشی هدفمند است. صورت‌بندیِ شناختی، یعنی تواناییِ تبدیلِ یک حسِ مبهمِ ناخرسندی به پرسشیِ عینی و قابلِ بررسی، که نه تنها ذهنِ پژوهشگر را سازمان‌دهی می‌کند، بلکه امکانِ طراحیِ روش‌هایِ جمع‌آوری و تحلیلِ داده‌ها را نیز فراهم می‌آورد. این صورت‌بندی، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا از دامِ «نگاهِ جزء‌نگر» به «نگاهِ کل‌نگر» گذر کند و مسئله را در شبکه‌ای از روابطِ علی و معلولی، یا زمینه‌هایِ ساختاری و فرهنگی، درک نماید.

سومین ویژگی، که وجهِ تمایزِ نهاییِ مسئله‌ی پژوهشی از مشکلِ روزمره به شمار می‌رود، «اهمیتِ کاربردی» برای جامعه‌ی آموزشی است. یک مسئله‌ی پژوهشی، صرفاً دغدغه‌ی شخصیِ پژوهشگر نیست، بلکه باید دست‌کم برای بخشی از جامعه‌ی آموزشی - معلمانِ دیگر، مدیران، مشاوران یا حتی دانش‌آموزان - دارای معنا و کاربرد باشد. این اهمیتِ کاربردی، به پژوهش جهتِ اجتماعی و اخلاقی می‌دهد و آن را از یک کنجکاوِیِ خصوصی به یک تعهدِ حرفه‌ایِ جمعی ارتقا می‌دهد. در حالی که مشکلِ روزمره، اغلب در چارچوبِ کلاس یا مدرسه‌ی خاصِ پژوهشگر، محدود و محصور می‌ماند، مسئله‌ی پژوهشی قابلیتِ آن را دارد که از مرزهایِ کلاس فراتر رود و به دانشی قابلِ اشتراک و بهره‌برداری برای دیگر کنشگرانِ نظامِ آموزشی تبدیل شود. این ویژگی، به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که پژوهش در مدرسه، هر چند در مقیاسِ کوچک انجام می‌شود، اما باید بتواند به غنایِ دانشِ حرفه‌ایِ جامعه‌ی معلمان بیفزاید و به ارتقایِ کیفیتِ آموزشی در سطحی گسترده‌تر کمک کند.

این گذار از «احساسِ ناخرسندی» به «صورت‌بندیِ شناختی»، نه تنها یک مهارتِ شناختی صرف، بلکه نوعی بازسازیِ هویتِ حرفه‌ای در معلم است. معلمی که صرفاً از رفتارِ یک دانش‌آموز یا از عملکردِ یک کلاس ناراضی است، در سطحِ احساسِ باقی می‌ماند و واکنش‌های او نیز از جنسِ عکس‌العملِ عاطفی و گاهِ تنبیهی خواهد بود. اما معلمِ پژوهشگر، همان نارضایتی را به عنوانِ نشانه‌ای برای شروعِ کاوش تلقی می‌کند و آن را به پرسشی بدل می‌سازد که پاسخِ آن، نه سرکوبِ دانش‌آموز یا حذفِ مسئله، که درکِ عمیق‌تر از بسترهایِ شکل‌گیریِ رفتار و طراحیِ راهکارهایِ ریشه‌ای است. این تحول، نیازمندِ «مکتبِ شناختی» است؛ یعنی تواناییِ فاصله‌گرفتن از واکنشِ فوری و غوطه‌ور شدن در تأملیِ روش‌مند که در آن، احساسِ اولیه، به عنوانِ داده‌ای خام در نظر گرفته می‌شود و نه به عنوانِ پاسخِ نهایی.

این مکتبِ شناختی، به معلم اجازه می‌دهد تا از قضاوتِ زود هنگام پرهیز کند، به جایِ سرزنشِ دانش‌آموز یا شرایط، به کاوش در علل و زمینه‌ها بپردازد و به جایِ راهکارهایِ مقطعی و سطحی، به دنبالِ راهکارهایِ ساختاری و پایدار باشد. برای نمونه، معلمی که از رفتارِ پرخاشگرانه‌ی یکی از دانش‌آموزانِ خود ناراضی است، اگر در سطحِ احساسِ باقی بماند، ممکن است به تنبیه یا تذکرِ مکرر